



فرمول بیست

فارسی نهم

متوسطه اول

مؤلفان
علی حیات بخش
رویا ذوقی

همکار مؤلفان
سرور فلاحی نژاد

فهرست مطالب

فصل اول: زیبایی آفرینش

ستایش: به نام خداوند جان و خرد ۸ *

درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است ۱۲ *

درس دوم: عجایب صنع حق تعالی ۲۳ *

آزمون جمع‌بندی فصل ۱ ۳۳ *

فصل دوم: شکفتن

درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی ۳۸ *

درس چهارم: هم‌نشین ۴۸ *

آزمون جمع‌بندی فصل ۲ ۵۸ *

فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)

درس پنجم: درس آزاد ۶۲ *

فصل سوم: سبک زندگی

درس هشتم: همزیستی با مام میهن ۹۰ *

آزمون جمع‌بندی فصل ۳ ۱۰۲ *

درس ششم: آداب زندگانی ۶۶ *

درس هفتم: پرتو امید ۷۹ *

فصل چهارم: نام‌ها و یادها

۱۰۶	درس نهم: راز موفقیت *
۱۱۵	درس دهم: آرشی دیگر *
۱۲۷	درس یازدهم: زن پارسا *
۱۳۷	آزمون جمع‌بندی فصل ۴ *

فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی

۱۶۴	درس چهاردهم: پیدای پنهان *	۱۴۲	درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت *
۱۷۶	آزمون جمع‌بندی فصل ۵ *	۱۵۳	درس سیزدهم: آشنای غریبان، میلاد گل *

فصل آزاد: ادبیات بومی (۲)

۱۸۰	درس پانزدهم: درس آزاد *
-----	-------------------------

فصل ششم: ادبیات جهان

۱۹۴	نیایش: بیا تا برآریم دستی ز دل *	۱۸۴	درس شانزدهم: آرزو *
۲۰۰	آزمون جمع‌بندی فصل ۶ *	۱۹۱	درس هفدهم: شازده کوچولو *

۲۰۴	پاسخ‌نامه تشریحی ✓
۲۴۴	آزمون‌های پایان نوبت *
۲۵۸	پاسخ‌نامه آزمون‌های پایان نوبت ✓

ستایش

مَکّا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جُز به بهمان ره که تو ام را هدیایی

سایه غزوی

معنی

خداوندا تو را ستایش می‌کنم که تو [پروردگار] پاک و منزّه هستی. جز راهی که تو به من نشان دهی، به راه دیگر نمی‌روم. (بنده و مطیع تو هستم.)

نکته زبانی

نشانه ندا: «ا»؛ منادا «ملک» /
«م» در «تو ام»: مضاف الیه (تو راهنمای من هستی)
بیت شش جمله دارد.

نکته ادبی

قالب شعر: غزل / خدایی، راهنمایی: قافیه
مَکّا: اشاره به خداوند (استعاره که در سال بعد می‌آموزیم.)
واج‌آرایی در مصراع اوّل «ک»

ستایش

به نام خداوند جان و خرد

تاریخ ادبیات

سنایی غزنوی (قرن ۶): ابوالمجد مجدود بن آدم شاعر و عارف معروف ایرانی، در آغاز شاعری مدّاح بود؛ ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوستدار آل علی (ع) بود. آثار: **حديقة الحقیقه، سیرالعباد الی المعاد، کارنامه بلخ.**

فردوسی (قرن ۴): فردوسی در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن و ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) در شعر او نمایان است. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، در سال ۴۱۱ ه. ق درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی نقش بسیار برجسته‌ای دارد.

واژه‌نامه

• واژگان مهم درس

برنا: جوان	• سپهر: آسمان؛ گردان سپهر: آسمان گردنده	• کیوان: سیاره زحل
• بیننده: چشم؛ کسی که می‌بیند؛ در شعر فردوسی مقصود از بینندگان، دو چشم یا چشمان است.	(ترکیب وصفی مقلوب)	• مهر: خورشید، محبت
• ستودن: ستایش کردن	• میان: کمر، میان بستن: آماده شدن برای کاری	
• فروزنده: روشنگر، افروزنده	• ناهید: ستاره زهره	
• خرد: اندیشه، عقل		

بررسی ستایش به نام خداوند جان و خرد

به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد

معنی: به نام پروردگاری سخنم را آغاز می‌کنم که آفریننده روح و عقل آدمی است. هیچ فکری نمی‌تواند از این سخن [که خداوند آفریننده جان و خرد است] بالاتر برود.

نکته ادبی: قافیه: خرد، برنگذرد / مراعات نظیر (تناسب): خرد، جان، اندیشه

نکته زبانی: بیت دو جمله دارد. / مصراع اول: شبه جمله

نکته فکری: جان و خرد، برترین آفریده‌های پروردگار هستند و عقل آدمی برتر و بالاتر از این دو را نمی‌تواند تصوّر کند.

خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی ده رهنمای

معنی: خدایی که صاحب نام‌ها و صاحب جای‌هاست؛ خدایی که روزی و نعمت می‌دهد و راهنمای انسان است.

نکته ادبی: قافیه، جای، رهنمای / تکرار: خداوند

نکته زبانی: بیت سه جمله دارد.

فصل اول زیبایی آفرینش

دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تورا نیست گوش‌ی که بهی نشود آوای تورا

امام فحیلی (ره)

معنی

هیچ چشمی (شخصی) نیست که چهره زیبای تو را نبیند و هیچ گوش‌ی نیست که صدای وجود تو را نشنود.

نکته ادبی

زیبا، آوا: قافیه / تورا: ردیف / مراعات نظیر: دیده، گوش، رخ

نکته فکری

جلوه‌های خداوند در تمام جهان، پدیدار است.

آنچه در این فصل می‌خوانیم

- آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- سفر (حکایت)
- عجایب صنع حق تعالی
- پرواز (شعرخوانی)



درس دوم



ستایش + درس اول

درس اول

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

تاریخ ادبیات

سعدی (قرن ۷): مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد.

آثار: **بوستان** (به نظم)، **گلستان** (به نظم و نثر)، **کلیات**.

کلیات سعدی: به مجموعه آثار سعدی می گویند که شامل گلستان، بوستان، غزلیات، قطعات، قصاید و ... است که در یک جلد کتاب گرد آمده است.

اسرار التوحید: اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی الخیر که محمد بن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.

واژه نامه درس

آفرینش: خلقت

حیران: شگفت زده، متحیر

فکرت: تفکر، اندیشه

اقرار: اعتراف کردن

خاتم: آخرین، ختم کننده

کج رفتار: کسی که رفتاری نادرست دارد.

• الوان: جمع لون، رنگارنگ

خزان: پاییز

کرم: بخشش

اندر: در

دامن: کناره، اطراف

گوی: گره، جسم گردی که با آن چوگان بازی می کردند.

• انعام: نعمت دادن، بخشش

• راست رو: مخالف کج رو، درستکار، کسی که از راه

لیل: شب

بار: بزرگ، بزرگوار (بار خدا: ای خدای بزرگ)

راست: خارج نمی شود.

مستمع: شنونده

بامداد: اول صبح، سحر

رحمت: مهربانی

• مسخر: رام و مطیع

برنوشتن: جمع کردن، تا کردن، لوله کردن

زّین: طلایی

منزل: مقصد، هدف

• بساط: سفره، هر چیز گستردنی مثل حصیر و فرش

سعادت: خوشبختی

نهار: روز

• تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن

صحرا: دشت و دمن

یاقوت: سنگ قیمتی قرمز رنگ

• تقدیر: فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خداوند

• طریق: راه، روش

واژه نامه حکایت

برای بندگان خود معین فرموده است.

عاجز: ناتوان و درمانده

افسان: دهنه و لگام چهارپایان

• تنبیه: هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری

عجب: شگفت آور، عجیب

• پیر: مرشد، راهنما

جهالت: نادانی

• عنب: انگور

پیوسته: همواره، همیشه

• حقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا

غفلت: ناآگاهی، بی خبری

درنگ: مکث، صبر

چیزهای دیگر نگهداری می شود.

فروزنده: روشنگر، افروزنده

• معرفت: شناخت، علم

واژه‌ها و ترکیب‌های مهم املائی

لیل و نهار - دامن صحرا - تنبیه و اقرار - تسبیح مستمع - مرغان سحر - خواب جهالت - خار گل - غنبل زرّین - تقدیر عزیز - مسخر و مطیع - حقّه یاقوت - انعام شکرگزار - بی‌عیب - عاجز - اسرار التّوحید - قصاید سعدی - افسار اسب - معرفت و شناخت

بررسی درس آفرینش همه تنبیه خداوند دل است



بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

معنی: در ابتدای صبح (اول فروردین) که طول شب و روز یکسان است، به دامن باغ و صحرا رفتن و زیبایی‌های بهار را تماشا کردن بسیار دل‌چسب است.

نکته ادبی: قالب شعر: قصیده / قافیه: نهار، بهار / تضاد: لیل، نهار / جناس: نهار، بهار / تناسب: بامداد، لیل و نهار

نکته فکری: مصراع اول اشاره به روز اول بهار دارد که در آن طول شب و روز یکسان است.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

معنی: تمام آفریده‌های خداوند برای آگاهی و بیداری انسان‌های صاحب‌دل است. اگر کسی [با دیدن آفریده‌های پروردگار] به وجود او اعتراف نکند، صاحب معرفت نیست!

نکته ادبی: واج‌آرایی «د» / جناس: که، به / دل نداشتن: کنایه از معرفت نداشتن / تکرار: خداوند، ندارد / دل / خداوند دل: در زبان قدیم، خداوند به معنای صاحب، رئیس و پادشاه به کار می‌رفته است. خداوند در مصراع اول به معنی «صاحب» و در مصراع دوم به معنی «خداوند متعال» است.

نکته زبانی: همه: قید (در درس‌های آینده می‌آموزیم) / بیت سه جمله دارد. / «که» به معنای «کسی که» است.

این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

معنی: با وجود این همه پدیده‌های شگفت‌انگیز که در همه جای دنیا وجود دارد، هر کسی درباره‌ی پروردگار اندیشه نکند، هیچ تفاوتی با تصویر بی‌جانی که بر دیوار است ندارد!

نکته ادبی: تناسب: در، دیوار / تشبیه (اضافه تشبیهی): دیوار وجود / جناس: بر، در / تشبیه: انسان بی‌بصیرت به نقش بر دیوار

نکته زبانی: «نقش» در مصراع اول: نهاد، «نقش» در مصراع دوم: مسند / بیت سه جمله دارد.

نکته فکری: فرق نقاشی روی دیوار و انسان، در داشتن قدرت تفکر و تحلیل است.

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی، فهم کنند این اسرار

معنی: همه پدیده‌های هستی در حال نیایش خداوند هستند؛ اما هر شنونده‌ای این رازها را نمی‌شنود و درک نمی‌کند.

نکته ادبی: مصراع اول: تلمیح به آیاتی مانند «يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (تلمیح را در درس‌های آینده می‌خوانیم). / تشخیص:

نیایش کوه، دریا، درختان / تناسب: کوه، دریا، درختان / واج‌آرایی: تکرار صامت «ر» در مصراع اول

نکته زبانی: این اسرار: مفعول / بیت دو جمله دارد. / کوه و دریا و درختان: نهاد

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته، سر از خواب جهالت، بردار؟

معنی: آیا خبر داری پرندگانی که صبح‌ها آواز می‌خوانند، دارند به تو می‌گویند ای کسی که خوابیده‌ای و از دنیا بی‌خبری، از خواب بی‌خبری بیدار شو؟!

نکته ادبی: واج‌آرایی: صامت «خ» / تناسب: خواب، سحر، خفته / جناس: سحر، سر / تشبیه (اضافه تشبیهی): خواب جهالت / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری

نکته زبانی: بیت چهار جمله دارد.

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

معنی: تا کی می‌خواهی مثل گل بنفشه از نادانی و گمراهی سرت را پایین بگیری؟ حیف است که تو انسان در خواب گمراهی هستی؛ اما گل نرگس بیدار است!

نکته ادبی: تناسب: بنفشه، نرگس / تشبیه: مخاطب به بنفشه / جناس: سر، در / بنفشه در این بیت نماد غفلت و سرافکندگی و نرگس، نماد بینایی و آگاهی است. / سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه از نادانی / تشخیص: سر داشتن بنفشه و بیدار بودن نرگس / تضاد: خواب و بیدار

نکته فکری: باید جهان را دید و از غفلت دور بود.

نکته: گل بنفشه چون ساقه‌اش خمیده است، شاعران این خمیدگی و سربه‌زیری را به غفلت‌زدگی این گل تشبیه می‌کنند. نرگس در شعر فارسی به چشم مانند می‌شود. (استعاره؛ که در سال دهم می‌آموزیم).

که تواند که دهد میوه‌الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟

معنی: چه کسی [غیر از خدا] می‌تواند میوه‌رنگارنگ از شاخه‌ی درخت دریاورد یا چه کسی [غیر از خدا] می‌تواند از شاخه‌ای خشک، گلی برگ‌برگ بپویاند؟
نکته ادبی: منظور از «چوب» در این بیت درخت است. / تضاد: گل، خار / تناسب: میوه، چوب، گل، خار، برگ / بیت پرسش انکاری دارد (پرسشی که به دنبال پاسخ آن نیستیم و برای تأکید بر انکار موضوعی پرسیده می‌شود).

نکته زبانی: میوه، گل: مفعول / چوب، خار: متمم / بیت چهار جمله دارد. / «داند» در معنای «تواند» به کار رفته است.

عقل، حیران شود از خوشه‌ی زَرّین عنب فهم، عاجز شود از حقه‌ی یاقوت انار

معنی: عقل با دیدن خوشه‌ی طلایی انگور شگفت‌زده می‌شود و فهم از دیدن جعبه‌ی یاقوتی انار (دانه‌های قرمز انار) ناتوان می‌ماند.
نکته ادبی: تشبیه: انگور به خوشه‌ای طلایی؛ انار به جعبه‌ی جواهرات / جان‌بخشی: حیران شدن عقل و عاجز بودن فهم / تناسب: عنب، انار و خوشه

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

معنی: او، خداوند پاک و بی‌عیب است که با فرمان خود، حتی ماه و خورشید و شب و روز را رام و مطیع (فرمان خویش) می‌کند.
نکته ادبی: تضاد: لیل، نهار / تناسب: ماه، خورشید، لیل، نهار / تلمیح: بیت اشاره به آیه ۳۳، سوره ابراهیم دارد (و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر کرد).

نکته زبانی: ماه و خورشید، لیل و نهار: مفعول / بیت دو جمله دارد.

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

معنی: تا روز قیامت، همه از بخشش و مهربانی خداوند حرف می‌زنند و با این همه، انگار هنوز هم یکی از هزاران لطف و بخشش او بیان نشده است.
نکته ادبی: تضاد: یکی، هزار / آرایه‌ی مبالغه در بیت وجود دارد.

نکته زبانی: همه: نهاد / سخن: مفعول

نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

معنی: ای خدای بزرگ! نعمت‌های تو قابل شمارش نیست؛ انسان شکرگزار هم نمی‌تواند چنان‌که شایسته‌ی نعمت‌های تو است، شکرگزاری کند. (مصرع دوم را به این صورت هم می‌شود خواند: انسان، نعمت‌های تو را شکر نمی‌کند!)

نکته ادبی: تناسب: نعمت، شکر، انعام، شکرگزار / ز عدد بیرون بودن: کنایه از بی‌شمار بودن

نکته زبانی: بیت سه جمله دارد. / خدایا: منادا / شکر: مفعول

نکته فکری: مصرع اول اشاره به نعمت‌های زیاد خداوند دارد.

سعدیا، راست‌زبان گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد، کج‌رفتار

معنی: ای سعدی! آنهایی که راه درست را می‌روند، پیروز و سعادتمند می‌شوند؛ تو هم راه راست و درست را برو؛ چون کسی که رفتار درستی ندارد، به هدفش نمی‌رسد.

نکته ادبی: گوی‌بردن: کنایه از پیروز شدن (در بازی چوگان باید گوی را از حریف مقابل گرفت). / به منزل نرسیدن: کنایه از گمراه شدن / تضاد: راست‌رو، کج‌رفتار / گوی سعادت: اضافه‌ی تشبیه‌ی

نکته زبانی: سعدی: منادا / سعدیا: شبه‌جمله / بیت چهار جمله دارد.

نکته فکری: اهمیت راستی و درستی

خودارزیابی

- ۱ | چند نمونه از جلوه‌های زیبای آفرینش و نعمت‌های خدا را در درس، بیابید و بیان کنید.
- ۲ | مفهوم آیه ۴۴ سوره اِسرائ «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هر موجودی که در آنهاست، او را می‌ستایند»، با کدام بیت درس، تناسب دارد؟
- ۳ | پیام بیت پایانی شعر را توضیح دهید.
- ۴ | در بیت «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار» یک کنایه پیدا کنید.

پاسخ

- ۱ | زیبایی دشت و صحرا در فصل بهار، میوه‌های رنگارنگ، گل صدف‌رنگ، خوشه طلایی‌رنگ انگور، انار یا قوتی رنگ و ...
- ۲ | آیه ۴۴ سوره اِسرائ: تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِیماً غَفُوراً
- ترجمه: آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را ستایش می‌کنند و هیچ چیز نیست مگر آنکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار و آمرزنده است.
- با این بیت درس تناسب معنایی دارد:
- کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار
- ۳ | در راه راست حرکت کردن و درست رفتار کردن در زندگی، موجب سعادت‌مندی در هر دو دنیا می‌شود. اگر انسانی رفتار نادرستی در زندگی‌اش داشته باشد، بی‌شک به سعادت و خوش‌بختی واقعی دست نمی‌یابد.
- ۴ | نقش بر دیوار بودن: کنایه از ناآگاه و بی‌احساس بودن

دانش‌های زبانی و ادبی

● واژه‌سازی

در زبان فارسی «ه» را به نام تعدادی از رنگ‌ها اضافه کرده و واژه‌ای دیگر ساخته‌ایم؛
 برای نمونه: سبز + ه ← سبزه (علف سبز رنگ) زرد + ه ← زرده (بخش زردرنگ تخم مرغ)
 اما در واژه «بنفشه» ماجرا برعکس است؛ یعنی بنفشه (نام گل) را داریم و «ه» را از آن برمی‌داریم و «بنفش» (نام رنگ) را می‌سازیم.
 بنفشه - ه ← بنفش

● تشبیه، جان‌بخشی و مراعات نظیر

به این جمله‌ها دقت کنید:

- ۱ | باران بارید. ۲ | ابرها گریستند.
- در جمله اول، خبر باریدن باران به سادگی اعلام شده است؛ اما در جمله دوم، همان خبر به شکل زیباتری بیان شده است. در جمله اول، زبان ساده است و در جمله دوم، زبان ادبی است.
- اگر بخواهیم منظورمان را بهتر و زیباتر بیان کنیم، از **ادبیات** استفاده می‌کنیم. ادبیات را زبان هنری یا زبان برتر می‌نامند.
- با استفاده از آرایه‌های ادبی مثل تشبیه، جان‌بخشی و مراعات نظیر و ... زبان ساده را به زبان ادبی تبدیل می‌کنیم.
- تشبیه:** مانند کردن چیزی به چیز دیگر **مثال:** تو در میان گل‌ها، چون گل میان خاری!
- جان‌بخشی:** بخشیدن صفات انسانی به غیرانسان **مثال:** غنچه با دل گرفته گفت: زندگی لب ز خنده بستن است.
- تناسب (مراعات نظیر):** واژه‌هایی که با هم در یک گروه قرار می‌گیرند. **مثال:** ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
- کنایه:** بیان غیرمستقیم و پوشیده سخن گفتن **مثال:** از در در آمدی و من از خود به در شدم
- جناس:** اختلاف دو کلمه در یک حرف یا صدا **مثال:** بی نام تو نام کی کنم باز؟

نگارش

به جمله‌های زیر دقت کنید:

الف کتاب گلستان توسط سعدی نوشته شده است.

ب سعدی کتاب گلستان را نوشته است.

هر دو جمله، یک معنا می‌دهند؛ اما از نظر زبانی، جملهٔ اوّل نادرست است.

در جمله‌هایی که نهاد آنها مشخص است، نباید از «توسط» استفاده کنیم! در جملهٔ «الف»، نهاد جمله مشخص است (سعدی)؛ پس نباید «توسط» بیاید.

فعالیت‌های نوشتاری

۱ | مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

شگفت، آگاهی، ستایش خداوند، شنونده، نادانی، انگور، رام، روز، مقصد، خوشبختی

۲ | در بیت‌های زیر از کدام عناصر زیبایی سخن، استفاده شده است؟

- خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟
- تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار
- ۳ | بیت دوم درس را در یک بند، توضیح دهید.

✓ پاسخ ۱ | شگفت: عجب / آگاهی: تنبیه / ستایش خداوند: تسبیح / شنونده: مستمع / نادانی: جهالت / انگور: عنب / رام: مسحّر / روز:

نهار / مقصد: منزل / خوشبختی: سعادت

۲ | تشخیص: به پرنده صفتی انسانی (سخن گفتن) داده شده است. مراعات نظیر (خفته، خواب)

تشبیه: مخاطب به بنفشه تشبیه شده است. جان‌بخشی: بیدار بودن نرگس و سر غفلت در پیش داشتن بنفشه. تضاد: خواب و بیدار

۳ | تمام جهان هستی که آفریدهٔ خالق یکتاست، بیدارکنندهٔ دل انسان است و هر کس که به وجود خداوند اقرار نکند، گویی اصلاً دل ندارد. (دل جایگاه شناخت خداوند است.)

بررسی حکایت سفر

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد.

معنی: روزی راهنمای ما با گروهی از همراهان به آسیابی رسید. اسب را نگه داشت و مدّتی در آنجا توقف کرد.

پس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟

نکتهٔ ادبی: تشخیص: حرف زدن آسیاب

می‌گوید: معرفت این است که من در آنم.

معنی: می‌گوید: «شناخت» آن چیزی است که من انجام می‌دهم (مشغول آن هستم).

گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!

معنی: دور خود می‌گردم و همیشه در درون خود سفر می‌کنم تا چیزهایی را که نباید در من باشد، از خود دور کنم.

نکتهٔ فکری: اشاره به تصفیه و تزکیهٔ نفس (پاک‌سازی روح و جان)

پرسش‌های درس اول



دانش زبانی



معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

(هماهنگ کرمان - ۱۴۰۱)

(هماهنگ قزوین - ۱۴۰۱)

(هماهنگ قزوین - ۱۴۰۲)

(هماهنگ کشوری - ۱۴۰۳)

(هماهنگ سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۲)

ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

۱ ستودن نداند کس او را چو هست

۲ فهم عاجز شود از حَقُّه یاقوت انار

۳ پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز

۴ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است.

۵ عقل حیران شود از خوشه زَرین عنب

مترادف واژه‌های داده‌شده را بنویسید.

۶ عجب:

۸ عنب:

۱۰ سپهر:

۷ زَرین:

۹ سعادت:

۱۱ مستمع:

برای هر واژه دو هم‌خانواده بنویسید.

۱۲ عاجز:

۱۴ غفلت:

۱۶ مسخر:

۱۳ سعادت:

۱۵ متفکر:

۱۷ معرفت:

جاهای خالی را با واژه درست پر کنید.

۱۸ بامدادی که تفاوت نکند لیل و (نهار / نهار) ۱۹ نه همه مستمعی فهم کنند این (اصرار / اصرار)

۲۰ آخر ای خفته سر از خواب بردار (جالت / جهالت) ۲۱ تا کی آخر چو بنفشه سر در پیش (غفلت / غفلت)

با توجه به معنا، جاهای خالی را پر کنید.

۲۲ ا...رار: اعتراف (غ / ق)

۲۴ ...یران: سرگردان (ح / ه)

۲۳ عاج...: ناتوان (ز / ذ)

۲۵ لوان: رنگارنگ (ع / ا)

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۲۶ واژگان نادرست املایی را اصلاح کنید.

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
نه همه مستمعی فهم کنند این اصرار
یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خوار؟
به بیننده‌گان آفریننده را
نبینی، مرنجان دو بیننده را

۲۷ جمله نادرست زیر را ویرایش کنید.

گل‌ها، توسط مردم بی‌احساس لگد شدند.

(هماهنگ بوشهر - ۱۴۰۲)

۲۸ نقش کلمه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

عقل حیران شود از خوشه زَرین عنب

عنب:

عقل:

در مصراع و بیت‌های زیر، آرایه‌ها را مشخص کنید.

- | | |
|------------------------------------|----|
| توانا بود هر که دانا بود | ۴۲ |
| خداوند کیوان و گردان سپهر | ۴۳ |
| سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند | ۴۴ |
| که تواند که دهد میوه الوان از چوب | ۴۵ |
| ستودن نداند کس او را چو هست | ۴۶ |
| تاکی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ | ۴۷ |
- ز دانش دل پیر، برنا بود
فروزنده ماه و ناهید و مهر
راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار
یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار
میان بندگی را ببایدت بست
- (همهانگ خراسان، رضوی - ۱۴۰۲)
(همهانگ کهگیلویه و بویر احمد - ۱۴۰۲)
(همهانگ خراسان، رضوی - ۱۴۰۲)
(همهانگ یزد - ۱۴۰۲)

کنایه‌های هر بیت را بنویسید.

- | | |
|---------------------------------|----|
| سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند | ۴۸ |
| ستودن نداند کس او را چو هست | ۴۹ |
- راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار
میان بندگی را ببایدت بست

جمله‌های زبانی زیر را به جمله‌های ادبی تبدیل کنید.

- ۵۰ باران گرفت.
- ۵۱ فصل پاییز شد.

در هر بیت، کدام واژه‌ها مراعات نظیر ایجاد کرده‌اند؟

- | | |
|-----------------------------------|----|
| بسی تیر و دی‌ماه و اردیبهشت | ۵۲ |
| ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد | ۵۳ |
- برآید که ما خاک باشیم و خشت
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۵۴ در بیت «سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند / راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار» تشبیه کدام است؟
(همهانگ بوشهر - ۱۴۰۲)
- ۵۵ آرایه ادبی تشخیص را در بیت زیر مشخص کنید.
(همهانگ سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۲)

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

- ۵۶ در مصراع دوم بیت زیر یک تشبیه وجود دارد. مشبه و مشبه‌به آن را بنویسید.
(همهانگ کردستان - ۱۴۰۲)

علم دین بام گلشن جان است نردبان، عقل و حس انسان است

- ۵۷ در بیت زیر، مشبه و وجه شبه را مشخص کنید.
(همهانگ مرکزی - ۱۴۰۲)

تاکی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

مشبه (.....) وجه شبه (.....)

- ۵۸ متن زیر معرفی چه کتابی است؟
(همهانگ چهارمحال و بختیاری - ۱۴۰۲)

کتابی است در احوال «شیخ ابوسعید ابوالخیر» که محمد بن منور آن را نگاشته است.

- ۵۹ در آغاز شاعری مداح بود ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. از آثار او می‌توان به «حديقة الحقیقه» و «کارنامه بلخ» اشاره کرد.
نام این شاعر چیست؟
(همهانگ همدان - ۱۴۰۲)

دانش فکری

وصل کنید.

۷۱ هر مصراع را به مفهوم آن وصل کنید.

- | | | | |
|--------------------------------------|---|---|---------------------------------|
| نیابد بدو نیز اندیشه راه | • | • | شکرگزاری همه پدیده‌ها |
| فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار | • | • | ناتوانی در فهم قدرت خلقت خداوند |
| شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار | • | • | ناتوانی در فهم جایگاه خداوند |
| کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند | • | • | ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند |

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۷۲ می‌دانیم که واژه‌ها با توجه به متن، معنی متفاوتی دارند؛ در بیت «خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی ده رهنمای» معنی واژه «خداوند» در مصرع اول با کدام مصرع بیت زیر، یکسان است و چرا؟

(هماهنگ کشوری - ۱۴۰۴)

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

۷۳ با توجه به مصراع دوم بیت «سعدیا راست‌روان گوی سعادتمند / راستی کن که به منزل نرسد کج‌رفتار» چه کسانی به مقصود واقعی نمی‌رسند؟

(هماهنگ سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۲)

۷۴ آیه ۴۴ سوره اسرا «آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه تسبیح خدا را می‌گوید»، با کدام بیت از درس تناسب دارد؟

(هماهنگ گیلان - ۱۴۰۱)

۷۵ منظور از «او» در بیت زیر چیست؟

نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

۷۶ در بیت «تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار» بنفشه و نرگس به کدام ویژگی انسان اشاره دارد؟

(هماهنگ همدان - ۱۴۰۲)

بنفشه: ----- نرگس: -----

۷۷ با توجه به بیت «به بینندگان آفریننده را / نبینی مرنجان دو بیننده را» مفهوم مصراع دوم را بنویسید.

(هماهنگ خوزستان - ۱۴۰۲)

۷۸ منظور از بیت «تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار» چیست؟

(هماهنگ یزد - ۱۴۰۲)

۷۹ قسمت مشخص شده را معنی کنید.

(هماهنگ کشوری - ۱۴۰۴)

الف) سعدیا، راست‌روان گوی سعادتمند بردند

ب) نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است

معنای روان عبارت‌ها و بیت‌های زیر را بنویسید.

۸۰ به بینندگان، آفریننده را

۸۱ عقل حیران شود از خوشه زربین عتب

۸۲ پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز

۸۳ نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است

۸۴ هرکه فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

۸۵ معرفت این است که من در آنم.

(هماهنگ ایلام - ۱۴۰۲)

(هماهنگ کشوری - ۱۴۰۳)

(هماهنگ آذربایجان شرقی - ۱۴۰۲)

(هماهنگ کردستان - ۱۴۰۲)

درس یازدهم

۱۱

زن پارسا

تاریخ ادبیات



رابعه عدویه: در سال ۱۳۵ هـ. ق در بصره متولد شد. در نیکوکاری و پارسایی و پاکدامنی و عبادت مشهور است. رابعه در بیت المقدس درگذشت.

عطار (قرن ۶): شاعر و عارف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری. عطار به داروفروشی و طبابت اشتغال داشته است. آثار: **تذکرة الاولیا** به نثر و **منطق الطیر، الهی نامه** و **مصیبت نامه** به نظم.

تذکرة الاولیا: کتابی است به نثر تألیف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در شرح حال بزرگان عرفان و تصوف.

سید مرتضی آوینی (معاصر): شهید مرتضی آوینی در سال ۱۳۲۶ متولد شد و در سال ۱۳۷۲ در منطقه فکه به شهادت رسید. او فیلم ساز و سردبیر مجله «سوره» بود. از فیلم های او می توان به **خان گزیده ها، حقیقت، روایت فتح** و **سراب** اشاره کرد.

واژه نامه درس

- **ابلیس:** شیطان
- **از آن:** به آن جهت، به همان خاطر
- **استی:** می بود
- **امت:** اهالی یک دین، مردمانی با یک آیین
- **بصره:** شهری در عراق
- **جاه:** مقام، درجه، شکوه
- **خواجه:** ارباب، رئیس
- **دائم:** همیشه
- **دَرم:** سکه نقره، پول نقد، درهم
- **رابعه:** نام زن (به معنی چهارمین)
- **رنجه:** آزرده، غمگین
- **زهره:** شهامت، جرئت
- **سیده:** زن نجیب و باصالت
- **شط:** رود بزرگ که وارد دریا شود.
- **شفاعت:** خواهشگری، درخواست بخشش یا کمک از کسی برای دیگری
- **صومعه:** محل عبادت، عبادتگاه، دیر
- **طرز:** دزد، راهزن
- **عارف:** دانا، شناسنده
- **عیال:** زن و فرزندان
- **غریب:** ناآشنا، بیگانه و دور از وطن
- **فلان:** اشاره به یک شخص و چیز نامعلوم و مبهم
- **قحطی:** خشک سالی، نایابی
- **متفرق:** پراکنده
- **مشقت:** سختی، دشواری
- **مقرب:** نزدیک شده، کسی که قرب و منزلت پیدا کرده باشد.
- **مقربان:** نزدیک شدگان، فرشتگان
- **نقل:** گفته (نقل است که: گفته اند که ...)
- **هوا:** میل، آرزو
- **واژه نامه روان خوانی**
- **استقرار:** قرار یافتن، آرام گرفتن
- **اشغال:** جایی را به زور گرفتن، مکانی را تحت تصرف در آوردن
- **بازگونه:** وارونه
- **بی وقفه:** بدون توقف، پشت سر هم، پی درپی
- **پندار:** گمان، خودپسندی
- **تداعی:** به یاد آوردن، از یک معنی به معنی دیگر
- **بی بردن**
- **جامه:** لباس
- **شلاله:** نسل، خلاصه هر چیز، برگزیده
- **قافله:** گروه مسافر، کاروان، همراهان، همسفران
- **ققنوس:** پرنده ای افسانه ای که گویند در آتشی که خود بر می افروزد، می سوزد و از درون خاکسترش دوباره نوزادی متولد می شود. به همین سبب این پرنده را رمز جاودانگی و فداکاری می دانند.
- **محفوظ:** حفظ شده، نگاهداری شده
- **مظهر:** جلوه گاه، نشانه
- **معارج:** جمع معراج، نردبان ها، آنچه به وسیله آن بالا می روند.
- **مقر:** قرارگاه، جای آرام و قرار
- **ملحق:** پیوسته شده، کسی یا چیزی که به دیگری پیوسته و متصل باشد.
- **منتهی:** آخر، پایان
- **منظر:** جای نگریستن، چشم انداز
- **می انگارد:** تصوّر می کند، می پندارد

واژه‌ها و ترکیب‌های مهم املایی

رابعهٔ عدویه - زنان عارف - عطار نیشابوری - تذکرةالاولیاء - عیال - روغن چراغ - برخاست و بازآمد - سیّده - شفاعت اُمّت - بصره - قحطی عظیم - متفرّق و پراکنده - رنج و مشقّت - غریب و اسیر - موافقت فرمان - نیاسودمی - جاهیت خواهد بود - مقرّبان آسمان - دایم روزه داشتی - هوای دل - گوشهٔ صومعه - رنجه مدار - زهرهٔ ابلیس - نظر طرّار - ملحق به قافله - مقاومت محفوظ - فرصت پایان‌ناپذیر - صلح و جنگ - بی‌وقفه - حیات معمول شهر - ققنوس‌وار - عقل بازگونه - می‌تپید - مظهر - محمّد جهان‌آرا - تداعی - قرارگاه عشّاق - معراج - سلالهٔ جوانمردان

بررسی درس زن پارسا



نقل است آن شب که رابعه در وجود آمد، در خانهٔ پدرش چندان جامه نبود که او را در آن بپوشاند و چراغ نبود.

معنی: روایت کرده‌اند آن شبی که رابعه به دنیا آمد، در خانهٔ پدرش لباس به اندازه‌ای نبود که او را در آن قرار دهند و هیچ چراغی در خانه نبود که آن را روشن کنند.

پدر او را سه دختر بود. رابعه، چهارم بود. از آن، رابعه گویند.

معنی: پدر او سه دختر داشت. رابعه چهارمی بود. به آن جهت به او رابعه می‌گفتند.

نکتهٔ زبانی: «را» در اینجا مفهوم مالکیت می‌دهد و در معنای فعل، تغییر ایجاد می‌کند. (پدر او، سه دختر داشت.)

پس عیال با او گفت: «به فلان همسایه رو و چراغی روغن بخواه.»

معنی: همسرش به او گفت: «نزد فلان همسایه برو و به اندازهٔ یک چراغ از او روغن (سوخت چراغ) قرض بگیر.»

پدر رابعه عهد کرده بود که از مخلوق هیچ نخواهد.

معنی: پدر رابعه با خودش عهد کرده بود که از مردم چیزی نخواهد.

برخاست و به در خانهٔ آن همسایه رفت و باز آمد و گفت: «خفته‌اند.» پس دلتنگ بخت.

معنی: بلند شد و در خانهٔ آن همسایه رفت و برگشت و گفت: «خوابیده‌اند.» پس غمگین خوابید.

نکتهٔ ادبی: دلتنگ بودن: کنایه از غمگین و ناراحت بودن

این دختر سیّده‌ای است که هفتاد هزار از اُمّت من در شفاعت او خواهند بود.

معنی: این دختر نجیب و پاکی است که هفتاد هزار نفر از اُمّت من را در قیامت شفاعت می‌کند.

در بصره قحطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرّق شدند.

معنی: در شهر بصره خشک‌سالی بزرگی پیش آمد و هر سه خواهر رابعه پراکنده شدند و رفتند.

رابعه به دست ظالمی افتاد. او را به چند درم بفروخت.

معنی: رابعه به دست شخص ظالمی گرفتار شد. او را در ازای چند سکهٔ نقره فروخت.

آن خواجه او را به رنج و مشقّت، کار می‌فرمود.

معنی: ارباب رابعه به او دستور می‌داد که کارهای سخت و دشواری انجام دهد.

روزی بیفتاد و دستش بشکست. روی بر خاک نهاد و گفت: «الهی! غریبم و بی‌مادر و پدر، اسیرم و

دست‌شکسته. مرا از این همه، هیچ غم نیست، الا رضای تو؛ می‌باید تا بدانم که راضی هستی یا نه؟»

معنی: روزی افتاد و دستش شکست. سجده کرد و به خداوند گفت: «خدایا، غریب و تنها و یتیم، اسیرم و آسیب‌دیده. از این همه سختی، ناراحت

نیستم، مگر نگرانی از خشنودی تو؛ پس باید بدانم آیا از من خشنود هستی یا نه؟»

نکتهٔ زبانی: «ب» در «بیفتاد» و «بشکست» کاربرد تاریخی ماضی ساده است.

نکتهٔ ادبی: روی بر خاک نهادن: کنایه از سجده کردن

دانش زبانی



● گروه فعلی (۳)

● ماضی استمراری

به جمله‌های زیر دقت کنید:

۱ به مدرسه می‌رفتم و درس می‌خواندم.

۲ پدر بزرگ همیشه می‌خندید و خاطره‌های بامزه می‌گفت.

در این جمله‌ها، عملی در گذشته به صورت پیوسته انجام شده است؛ به بیان دیگر، فعلی در گذشته به تکرار و استمرار انجام می‌شده است. به این نوع فعل‌های ماضی، **ماضی استمراری** می‌گویند. استمرار یعنی ادامه‌دار.

● روش ساخت فعل ماضی استمراری: می + بن ماضی + شناسه

شناسه	بن ماضی	می	ماضی استمراری
مَ	خواند	می	می‌خواندم
ند	نوشت	می	می‌نوشتند

بیشتر یاد بگیریم

در زبان فارسی کهن، با اضافه کردن «ی» به آخر فعل ماضی، ماضی استمراری می‌ساختند.

مثال: خواندندی (می‌خواندند)

همچنین با اضافه کردن «همی» به ابتدای فعل، آن را استمرار می‌کردند: **مثال:** همی‌گفت (می‌گفت)

نکته

۱ فعل ماضی استمراری به صورت منفی نیز به کار می‌رود. **مثال:** می‌خواندم — نمی‌خواندم

۲ شکل «سوم شخص مفرد ماضی استمراری» و «دوم شخص جمع مضارع اخباری» در فعل‌هایی که بن ماضی و مضارع آن‌ها

فقط در «ید» با هم متفاوت‌اند، یکسان است. **مثال:** او لباسش را می‌پوشید. (ماضی استمراری، سوم شخص مفرد)

شما لباستان را می‌پوشید. (مضارع اخباری، دوم شخص جمع)

● ماضی مستمر

اکنون به این جمله‌ها دقت کنید:

۱ داشتیم می‌آمدیم که باران گرفت.

۲ داشت آرام می‌دوید و شعر می‌خواند.

با کمی دقت متوجه می‌شویم که در این جمله‌ها، فعلی در گذشته همراه با فعل دیگری انجام گرفته است.

در جمله اول، «آمدن» با «بارش باران» همراه شده است و در جمله دوم، «آرام دویدن» با «شعر خواندن» همراه شده است.

به این نوع فعل‌ها که در آن عملی در گذشته همراه با عمل دیگری انجام شده است، **ماضی مستمر** یا **ماضی جاری** می‌گویند.

برای ساختن ماضی مستمر (جاری)، یکی از فعل‌های کمکی «داشتیم، داشتی، داشت، داشتید و داشتند» را به ماضی استمراری اضافه می‌کنیم.

● روش ساخت فعل ماضی مستمر (جاری):

شناسه	ماضی استمراری	فعل کمکی از مصدر داشتن	ماضی جاری (مستمر)
مَ	می‌خندید	داشتیم	داشتیم می‌خندیدم
ید	می‌رفت	داشتید	داشتید می‌رفتید

فعل کمکی داشت + شناسه + می + بن ماضی + شناسه

یا

فعل کمکی داشت + شناسه + ماضی استمراری همان فعل

نکته

۱ در مضارع مستمر، فعل کمکی، «دارم» و صورت‌های مختلف آن است و در ماضی مستمر، فعل کمکی، «داشتیم» و صورت‌های مختلف آن است.

۲ شناسه فعل کمکی «داشت»، با شناسه فعل اصلی همیشه یکسان است؛ مثلاً در فعل «داشتیم می‌رفتم»، هر دو شناسه (مَ) یکسان است.

۳ امکان دارد که بین فعل کمکی «داشت» و فعل اصلی فاصله بیفتد؛ در این موارد همچنان باید این فعل را ماضی مستمر بدانیم.

مثال: داشتیم برای بچه‌ها قصه می‌گفتم.

۴ فعل ماضی مستمر شکل منفی ندارد و همیشه به صورت مثبت به کار می‌رود. برای منفی کردن ماضی مستمر از ماضی

استمراری منفی استفاده می‌کنیم. **مثال:** داشتیم می‌دیدیم — نمی‌دیدیم

پرسش‌های درس یازدهم



دانش زبانی



معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

- ۸۲۶ خود را مرنجان ای طرّار. (هماهنگ چهار محال و بختیاری - ۱۴۰۱)
- ۸۲۷ از گوشه صومعه آواز درآمد. (هماهنگ فارس - ۱۴۰۱)
- ۸۲۸ در آن خانه چندان جامه نبود. (هماهنگ لرستان - ۱۴۰۱)
- ۸۲۹ این جمله را مردی از سلاله جوانمردان بر تابلوی خرّمشهر نگاشته بود. (هماهنگ خراسان جنوبی - ۱۴۰۱)

۸۳۰ چنان‌که مقربان آسمان به تو نازند.

۸۳۱ پس عیال با او گفت: به فلان همسایه رو.

۸۳۲ جنگ بر پا شده بود تا جهان‌آرا به آن قافله ملحق شود.

۸۳۳ عجب از این عقل باژگونه که ما را به قبرستان می‌کشاند.

مترادف واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

۸۳۴ او را به رنج و مشقت کار فرمود.

۸۳۵ فردا تو را جاهی خواهد بود.

۸۳۶ هوای دل من در موافقت فرمان توست.

۸۳۷ ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد.

برای هر واژه، دو هم‌خانواده بنویسید.

۸۳۸ سجده: استقرار: ۸۳۹

۸۴۰ دایم: راضی: ۸۴۱

فعل‌های زیر را از نظر نوع، شمار و شخص، معرفی کنید.

۸۴۲ می‌دیدند: داشتید می‌دیدید: ۸۴۳

فعل‌های خواسته‌شده را بسازید.

۸۴۴ اوّل شخص مفرد ماضی جاری از مصدر «شکستن»

۸۴۵ دوم شخص جمع ماضی استمراری از مصدر «زیستن»

۸۴۶ دوم شخص مفرد ماضی استمراری از مصدر «کوشیدن»

۸۴۷ سوم شخص جمع ماضی مستمر از مصدر «خواندن»

شکل کهن فعل‌های ماضی استمراری را بنویسید.

۸۴۸ همواره به دیدار او می‌رفتم.

۸۴۹ آن جماعت پیوسته غذای حلال می‌خوردند.

۸۵۰ درویش همواره جامه‌ای پشمین می‌پوشید.

۸۵۱ یک ساعت از خدمت نمی‌آسود.

دانش ادبی

جاهای خالی را کامل کنید.

۸۶۲ کتاب تألیف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در شرح حال بزرگان عرفان و تصوّف است. (هماهنگ فارس - ۱۴۰۲)

۸۶۳ مصیبت نامه اثر و بهارستان اثر است. (هماهنگ همدان - ۱۴۰۲)

۸۶۴ مرتضی آوینی، سازنده مستند مشهور است.

۸۶۵ من چه کتابی هستم؟ (هماهنگ کشوری - ۱۴۰۴)

کتابی به نثر، در شرح حال بزرگان عرفان و تصوّف، تألیف عطار نیشابوری هستم. من هستم.

در هر عبارت، معنای کنایه ها را بنویسید.

۸۶۶ شهر خالی شد و کشتی ها به گِل نشستند.

۸۶۷ مسجد جامع خرّم شهر مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته بود.

۸۶۸ همه شب نماز کردی و تا روز بر پای بودی.

۸۶۹ خود را رنجه مدار. او چند سال است تا به ما دل سپرده است.

در هر عبارت، مشبّه و مشبّه به را مشخص کنید.

۸۷۰ خرّم شهر شقایقی خون رنگ است که داغ جنگ بر سینه دارد.

۸۷۱ حیات حقیقی مردان خدا، ققنوس وار از میان خاکستر سر بر آورد.

۸۷۲ مسجد جامع خرّم شهر قلب شهر بود که می تپید.

گزینه درست را انتخاب کنید.

۸۷۳ نوع پرسش عبارت مقابل کدام است؟

دزد را کی زهره آن بود که گرد چادر او گردد؟

۱ پرسش تأکیدی ۲ پرسش مستقیم ۳ پرسش انکاری ۴ پرسش مفهومی

۸۷۴ کدام یک از مستندهای مرتضی آوینی نیست؟

۱ سراب ۲ حقیقت ۳ فتح خون ۴ روایت فتح

۸۷۵ کدام گزینه در مورد آثار عطار نیشابوری درست است؟

۱ تذکرة الاولیا را به تقلید از گلستان سعدی به نظم و نثر نگاشته است.

۲ الهی نامه را به نثر و مصیبت نامه را به نظم نوشته است.

۳ مصیبت نامه را به نثر و الهی نامه را به نظم نگاشته است.

۴ منطق الطیر را به نظم سروده است.

دانش فکری

معنای روان عبارت های زیر را بنویسید.

۸۷۶ الهی! تو می دانی که هوای دل من در موافقت فرمان توست. (هماهنگ البرز - ۱۴۰۲)

۸۷۷ رابعه، همه شب نماز کردی و تا روز برپای بودی. (هماهنگ آذربایجان غربی - ۱۴۰۲)

۸۷۸ چون رابعه بزرگ شد، پدر و مادر بمردند و در بصره قحطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرّق شدند. (هماهنگ همدان - ۱۴۰۲)

۸۷۹ روی بر خاک نهاد و گفت: الهی! غریبم و بی مادر و پدر و اسیرم و دست شکسته. (هماهنگ گیلان - ۱۴۰۲)

۸۸۰ ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد. (هماهنگ کشوری - ۱۴۰۳)



فصل ۴

آزمون جمع بندی

واژگان



معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

- ۸۹۳ عملی **خسبیس** به وی داد. (هماهنگ آذربایجان شرقی - ۱۴۰۰)
- ۸۹۴ **شَط** خرمشهر کف می زد. (هماهنگ گیلان - ۱۴۰۱)
- ۸۹۵ خواهران رابعه **متفَرّق** شدند. (هماهنگ لاهیجان - ۱۴۰۰)
- ۸۹۶ خود را مرنجان ای **طَرار**. (هماهنگ لرستان - ۱۴۰۲)
- ۸۹۷ از گوشه **صومعه** آواز درآمد. (هماهنگ البرز - ۱۴۰۲)
- ۸۹۸ مردی از **سَلالَه** جوانمردان بر تابلوی خرمشهر نگاشته بود. (هماهنگ لرستان - ۱۴۰۲)

معنی شعر و نثر



معنی و مفهوم عبارت های زیر را بنویسید.

- ۸۹۹ از کمند آرزوها رست. (هماهنگ البرز - ۱۴۰۲)
- ۹۰۰ آن شب که رابعه در وجود آمد. (هماهنگ لرستان - ۱۴۰۲)
- ۹۰۱ شهر خونین، شهر خرمشهر، در غروب آفتاب خویش، چشم در چشم افق می دوخت. (هماهنگ لرستان - ۱۴۰۲)
- ۹۰۲ در تن رنجورش رمقی نمانده بود. (هماهنگ سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۱)
- ۹۰۳ غم مخور، فردا جاهیت خواهد بود چنان که مقربان آسمان به تو نازند. (هماهنگ کشوری - ۱۴۰۳)
- ۹۰۴ پس در هر عمل که هست نیکوسیرتی می باید و داد. (هماهنگ یزد - ۱۴۰۲)

دانش ادبی



به پرسش های زیر پاسخ دهید.

- ۹۰۵ در جمله «پدر رابعه دلنگ است.» چه آرایه ای به کار رفته است؟ (هماهنگ سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۱)
- ۹۰۶ برای هر یک از عبارت های زیر، یک آرایه بنویسید.
- الف) کودک ما بغض خود را خورد. (هماهنگ خراسان شمالی - ۱۴۰۱)
- ب) بر کمانش تیر آرش را نمی دیدند. (هماهنگ کهگیلویه و بویر احمد - ۱۴۰۲)
- ۹۰۷ در عبارت «خرمشهر شقایقی خون رنگ است که داغ جنگ بر سینه دارد.» مشبه و مشبه به کدام است؟ (هماهنگ بوشهر - ۱۴۰۱)
- مشبه به: -----
- مشبه: -----
- ۹۰۸ بارزترین آرایه در بیت زیر کدام آرایه است؟ (هماهنگ ایلام - ۱۴۰۲)

یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

۹۰۹ گاه شاعر یا نویسنده برای زیباتر ساختن اثرش، از آیات و احادیث استفاده می‌کند. به این شیوه بهره‌گیری از کلام می‌گویند.

(هماهنگ یزد - ۱۴۰۱)

۹۱۰ کوثر می‌خواهد یک متن ادبی بنویسد؛ برای تأثیرگذاری بیشتر متن خود، تصمیم گرفت به یک داستان تاریخی اشاره کند:

(هماهنگ کرمان - ۱۴۰۲)

الف کدام آرایه را به او پیشنهاد می‌دهید؟

ب با توجه به پیشنهاد شما در بخش الف، او کدام یک از بیت‌های زیر را در متن خود به کار ببرد؟

- ۱ لب‌خند تو خلاصه خوبی‌هاست
- ۲ عشق با دشوار ورزیدن خوش است
- ۱ لختی بخند، خنده گل زیباست
- ۲ چون خلیل از شعله، گل چیدن خوش است

گزینه درست را انتخاب کنید.

(هماهنگ خراسان شمالی - ۱۴۰۱)

۹۱۱ در کدام گزینه آرایه تلمیح وجود ندارد؟

- ۱ چون خلیل از شعله گل چیدن خوش است
- ۲ در رگش خون سیاوش را نمی‌دیدند
- ۳ حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار
- ۴ یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان، غم مخور

(هماهنگ مرکزی - ۱۴۰۲)

۹۱۲ در کدام یک از ابیات زیر، تلمیح دیده می‌شود؟

- ۱ حریف، عهد مؤدت شکست و من نشکستم
- ۲ چون خلیلی هیچ از آتش مترس ایمن پرو
- ۱ خلیل، بیخ ارادت برید و من نبریدم
- ۲ من ز آتش صد گلستانم کنم، نیکو شنو

دانش زبانی



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۹۱۳ فعل عبارت‌های زیر حذف شده است؛ با توجه به توضیحات داده شده، برای جاهای خالی فعل مناسب بنویسید. (هماهنگ کشوری - ۱۴۰۴)

- الف** حافظ به ما شیوه درست نگاه کردن به زندگی را (سوم شخص مفرد مضارع اخباری از مصدر آموختن)
- ب** اگر آدمی را دردی (سوم شخص مفرد ماضی استمراری از مصدر رسیدن)

(هماهنگ قزوین - ۱۴۰۱)

۹۱۴ با توجه به کمانک، زمان فعل جمله زیر را تغییر دهید و جمله جدید را بازنویسی کنید.

این هواپیما با سرعت فوق‌العاده پرواز می‌کند. (گذشته مستمر)

(هماهنگ سیستان و بلوچستان - ۱۴۰۲)

۹۱۵ فعل‌های زیر را به ماضی استمراری تبدیل کنید.

الف رفتند:

ب گرفتیم:

(هماهنگ قم - ۱۴۰۱)

۹۱۶ جمله زیر را به زمان ماضی استمراری تغییر دهید. (با همان سوم شخص مفرد)

نثر گلستان سعدی، بهترین نثر فارسی، در میان صدها اثر درخشان می‌درخشد.

(هماهنگ گیلان - ۱۴۰۱)

۹۱۷ با توجه به جمله زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

پیرمردی که سال‌های عمرش به هفتاد و هفت رسیده بود، در بستر بیماری بود.

الف فعل جمله اول را مشخص کنید.

ب فعل جمله اول را به ماضی استمراری تبدیل کنید.

پاسخ نامه تشریحی

www.gajmarket.com

فصل آزاد:
ادبیات بومی (۱)

۲۱۵

فصل دوم:
شکفتن

۲۱۰

فصل اول:
زیبایی آفرینش

۲۰۴

فصل پنجم:
اسلام و انقلاب اسلامی

۲۳۱

فصل چهارم:
نام‌ها و یادها

۲۲۳

فصل سوم:
سبک زندگی

۲۱۵

فصل ششم:
ادبیات جهان

۲۳۹

فصل آزاد:
ادبیات بومی (۲)

۲۳۸

۲۰	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است	فصل اول	✓
جهالت	۱	ستایش کردن	
۲۱	۲	جعبه	
غفلت	۳	رام و مطیع	
۲۲	۴	هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری	
اقرار	۵	انگور	
۲۳	۶	شگفت	
عاجز	۷	طلایی	
۲۴	۸	انگور	
حیران	۹	خوشبختی	
۲۵	۱۰	آسمان	
الوان	۱۱	شنونده	
۲۶	۱۲	عجز، اعجاز	
تسبیه ← تسبیح، اصرار ← اسرار، خوار ← خار، بیننده‌گان ← بینندگان	۱۳	سعید، مسعود	
۲۷	۱۴	غافل، تغافل	
مردم بی‌احساس، گل‌ها را لگد کردند.	۱۵	فکر، تفکر	
۲۸	۱۶	تسخیر، استخاره	
عقل: نهاد - عنب: مضاف الیه	۱۷	عرفان، معروف	
۲۹	۱۸	نهار	
گزینه ۴. برنا: جوان	۱۹	اسرار	
۳۰			
گزینه ۲. یاقوت			
۳۱			
گزینه ۲			
۳۲			
گزینه ۱			
۳۳			
گزینه ۴. عنب: انگور			
۳۴			
گزینه ۳. بار خدایا، سعدیا، ملکا			
۳۵			
گزینه ۳			
بررسی سایر گزینه‌ها			
گزینه ۱ جهالت ← جهالت			
گزینه ۲ برنگزرد ← برنگزرد			
گزینه ۴ هیف ← حیف			

۸۱۷	آرزوهای خود را رها کرد. / از آرزوهایش دست کشید. (آمادهٔ شهادت شد.)	۸۳۶	میل، آرزو
۸۱۸	مردم شهر یکباره آگاه شدند.	۸۳۷	جرئت
۸۱۹	پیروزی رزمندگان و شادی مردم خرمشهر	۸۳۸	مسجد، سجّاد
۸۲۰	گزینهٔ ۱	۸۳۹	مقرّ، مستقر
۸۲۱	گزینهٔ ۲	۸۴۰	مداوم، ادامه
۸۲۲	گزینهٔ ۳	۸۴۱	رضایت، رضا
۸۲۳	گزینهٔ ۲	۸۴۲	ماضی استمراری، سوم شخص جمع
۸۲۴	گزینهٔ ۲	۸۴۳	ماضی مستمر، دوم شخص جمع
۸۲۵	گزینهٔ ۱	۸۴۴	داشتم می شکستم
✓ فصل چهارم	درس یازدهم: زن پارسا	۸۴۵	می زیستید
۸۲۶	دزد	۸۴۶	می کوشیدی
۸۲۷	عبادتگاه	۸۴۷	داشتند می خواندند
۸۲۸	لباس	۸۴۸	رفتمی
۸۲۹	نسل	۸۴۹	خوردندی
۸۳۰	نزدیکان درگاه الهی، فرشتگان	۸۵۰	پوشیدی
۸۳۱	همسر	۸۵۱	نیاسودی
۸۳۲	پیوسته	۸۵۲	داشت می ساخت
۸۳۳	وارونه، برعکس	۸۵۳	می خوانی
۸۳۴	سختی	۸۵۴	گزینهٔ ۱
۸۳۵	مقام و جایگاه	۸۵۴	گزینهٔ ۴. معراج، عروج ← ع ر ج / رجعت ← ر ج ع
		۸۵۵	گزینهٔ ۲. برخاست / الصّلاة

پاسخ نامه	آزمون جمع‌بندی فصل چهارم
۸۹۳	۹۱۲
بی‌ارزش	گزینه ۲؛ «خلیل» در بیت ۱ در معنای اصلی خود یعنی «دوست» به‌کار رفته است (به معنای لقب حضرت ابراهیم (ع) نیست).
۸۹۴	۹۱۳
رود بزرگ	الف) می‌آموزد ب) می‌رسید
۸۹۵	۹۱۴
پراکنده	این هواپیما با سرعت فوق‌العاده داشت پرواز می‌کرد.
۸۹۶	۹۱۵
دزد	الف) می‌رفتند ب) می‌گرفتیم
۸۹۷	۹۱۶
عبادتگاه	نثر گلستان سعدی، بهترین نثر فارسی، در میان صدها اثر درخشان می‌درخشد.
۸۹۸	۹۱۷
نسل	الف) رسیده بود ب) می‌رسید
۸۹۹	۹۱۸
از آرزوهایش دست کشید.	یاران حقیقی امام حسین (ع) که همان رزمندگان بودند.
۹۰۰	۹۱۹
آن شب که رابعه به دنیا آمد.	دوست اول: رابعه - دوست دوم: خداوند
۹۰۱	۹۲۰
خرمشهر خونین، هنگام نزدیک شدن به زمان نابودی و ویرانی خود، به افق و کرانه آسمان نگاه می‌کرد.	درک عمیق مطالب
۹۰۲	۹۲۱
در تن ناتوان او، توان و قدرتی باقی نمانده بود.	این کار نیست که انسان را بزرگ و محترم می‌کند، بلکه این انسان است که کاری را بزرگ و با اهمیت می‌کند.
۹۰۳	۹۲۲
غمگین نباش، فردا مقام و شکوهی خواهی داشت که فرشتگان آسمان به تو افتخار می‌کنند.	خرمشهر و ایران پیروز شده بود.
۹۰۴	۹۲۳
پس در هر شغلی اخلاق خوب و انصاف لازم است.	شهید حسین فهمیده
۹۰۵	۹۲۴
کنایه؛ دلتنگ بودن؛ کنایه از غمگین بودن	اهمیت علم‌آموزی پیوسته
۹۰۶	۹۲۵
الف) کنایه؛ بغض خود را خوردن کنایه از غم خود را پنهان کردن ب) تلمیح؛ اشاره به داستان آرش کمان‌گیر	الف) وطن، کشور، میهن ب) بی‌ارزش و فراموش شدن
۹۰۷	۹۲۶
مشبه ← خرّمشهر مشبّه به ← شقایق	گزینه ۳
۹۰۸	۹۲۷
تلمیح؛ اشاره به داستان یوسف پیامبر (ع)	گزینه ۲
۹۰۹	۹۲۸
تلمیح	گزینه ۲
۹۱۰	۹۲۹
الف) تلمیح ب) گزینه ۲	اخلاق ناصری
۹۱۱	۹۳۰
گزینه ۳	جامی

آزمون های پایان نوبت

www.gajmarket.com

آزمون پایان نوبت دوم:
خردادماه (۲)

۲۵۱

آزمون پایان نوبت دوم:
خردادماه (۱)

۲۴۸

آزمون پایان نوبت اول:
دی ماه (۲)

۲۴۶

آزمون پایان نوبت اول:
دی ماه (۱)

۲۴۴

پاسخ نامه آزمون پایان نوبت
دوم: خردادماه (۱)

۲۵۹

پاسخ نامه آزمون پایان نوبت
اول: دی ماه (۲)

۲۵۸

پاسخ نامه آزمون پایان نوبت
اول: دی ماه (۱)

۲۵۸

آزمون پایان نوبت دوم:
خردادماه (۳)

۲۵۵

پاسخ نامه آزمون پایان نوبت
دوم: خردادماه (۳)

۲۶۱

پاسخ نامه آزمون پایان نوبت
دوم: خردادماه (۲)

۲۶۰

ردیف	آزمون پایان نوبت دوم	هماهنگ کشوری - ۱۴۰۴ - صبح	مدت زمان: ۷۵ دقیقه	بارم
		الف) معنی و مفهوم شعر و نثر		
۱	کدام یک از مصراع‌ها، هنگام معنی، نیاز به جابه‌جایی اجزای جمله دارد؟	۱ حلقه گرد من زنید ای پیکران آب و گل ۲ چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند	۰/۲۵	
۲	مناسب‌ترین معنی را برای بخش مشخص‌شده، انتخاب کنید.	خدایا به ذلتِ مـران از درم که صورت نبندد دری دیگرم	۰/۲۵	
۳	در بیت‌ها و عبارات زیر، قسمت‌های مشخص‌شده را معنی کنید.	۱ تصویری از درگاه او در ذهن ندارم. ۲ درگاه دیگری غیر از درگاه تو برای من قابل تصویر نیست. الف) نعمتت بار خدایا ز عدد بیرونست شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار ب) وی همه را به کار آید. پ) کودکی از دامن این موج بیرون جست از کمنـد آرزوها رست ت) ای دل غمدیده، حالت به‌شود، دل بد مکن وین سرشوریده بازآید به سامان، غم مخور	۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۵ ۰/۵	
۴	با توجه به کلمات مشخص‌شده، معنی عبارت را کامل کنید.	سلمان گفت: «به سه وجه این کار را برای خودم کردم نه از بهر تو» سلمان گفت: «..... این کار را از برای خودم کردم نه»	۰/۵	
۵	ب) معنی واژه	می‌دانیم که واژه‌ها با توجه به متن، معنی متفاوتی دارند؛ در عبارت «در مورچه نگاه کن که به وقت خویش غذا چون جمع کند؟» معنی واژه «چون» با کدام یک از عبارت‌های زیر یکسان است و چرا؟ الف) به امیری خراسان چون افتادی؟ ب) چون چراغ لاله‌سوزم در خیابان شما چرا؟	۰/۵	
۶	در همهٔ گزینه‌های زیر، واژگان مترادف دیده می‌شود به جز.....	۱ هر روز بر شکوه و شوکت من افزوده می‌شد. ۲ در موسم کهنسالی و فرتوتی کار ایام جوانی پیشه کرده‌ای. ۳ هرگاه سخن از فراست و زیرکی به میان می‌آمد. ۴ درست آن است که فرصت بازاندیشی و خودشکوفایی را پدید آوریم.	۰/۲۵	
۷	معنای واژهٔ مشخص‌شده را بنویسید.	و عملی خسیس به وی داد.	۰/۲۵	

۵/۰	پ) درک مطلب با توجه به بیت زیر، منظور از کلمه‌های مشخص شده چیست؟ به چشم بصیرت به خود درنگر تو را تا در آئینه زنگار نیست	۸
۲۵/۰	بیت زیر به چه مفهومی تأکید دارد؟ در زندگی، مطالعه دل غنیمت است خواهی بخوان خواهی نخوان، مانوشته‌ایم	۹
۵/۰	عبارت زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن بنویسید. سخنان سرشار از حکمت پیامبر بزرگوار اسلام، مرز مکانی و رنگ روزگار ویژه‌ای ندارد.	۱۰
۵/۰	معلم از گروه‌های کلاسی خواست تا مفاهیم مشترک درس ۱۲ (پیام آور رحمت) و درس ۴ (هم‌نشین) را بنویسند و مقایسه کنند. به نظر شما گروه مولوی برای عبارت زیر چه مفاهیمی نوشته است؟ الف) ای ابوذر، هم‌نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی، بهتر از هم‌نشین بد است. ب) پسر نوح با بدن بنشست خاندان نبوتش گم شد	۱۱
۷۵/۰	هر یک از عبارات ردیف اول با کدام یک از مفاهیم ردیف دوم متناسب است؟ (یک مورد اضافی است). الف) «دل ندارد که خداوند اقرار» ب) «جرئت نداشتن» چشم در چشمان دشمن کرد چرخ یقینم فرا راه دار معرفت نداشتن هدایت کردن مقابله کردن جرئت نداشتن	۱۲
۲۵/۰	ت) دانش ادبی زهره در بخشی از توضیحات نکته ادبی «تخلص» به دوستش، دچار یک خطا شده است؛ شما آن را در عبارت زیر پیدا کنید و تصحیح کنید. تخلص به معنای خلاصه کردن است که شاعر با سرودن آن از بند سخن آزاد می‌شود.	۱۳
۲۵/۰	گاهی هدف نویسنده از پرسش، رسیدن به پاسخ نیست؛ بلکه برای تأکید بر سخن و یا رد و نفی آن، پرسش را مطرح می‌کند. به نظر شما نوع پرسش مطرح شده در کدام گزینه متفاوت است؟ ۱) فقیه گفت: «ای دوست گرامی، اکنون چه جای این پرسش است؟» ۲) تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار ۳) اسکندر گفت: «چگونه می‌بینی عمل خویش را؟» ۴) الهی! مرا از این همه، هیچ غم نیست، الا رضای تو، می‌باید تا بدانم که راضی هستی یا نه؟	۱۴
۵/۰	ناهید هنگام توضیح دادن نکته ادبی «ردیف» به برادرش، گفت: «ردیف انواعی چون فعل، ضمیر، اسم و ... نیز دارد» سپس از او خواست در دو بیت زیر نوع ردیف را مشخص کند. الف) چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما ای جوانان عجم جان من و جان شما نوع ردیف: ----- ب) دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود نوع ردیف: -----	۱۵



آزمون پایان نوبت دوم خرداد ماه (۱)

پاسخ‌نامه



- ۷ خداوند به هر موجودی آنچه را لازم داشته است، بخشیده است.
- ۸ به شیوه‌ای که موجب سرزنش نفر اول نشود.
- ۹ اهمیت دانایی
- ۱۰ گوهر: اصل و نسب - هنر: دانش و فضیلت
دانش و فضیلت از اصل و نسب باارزش‌تر است.
- ۱۱ به دلیل پرورندگی و همزیستی؛ چرا که میهن با همه ساکنانش مادرانه رفتار می‌کند.
- ۱۲ الف) منظور بزرگی و رهبری است.
ب) خطر کردن با دانش و آگاهی موجب می‌شود انسان به اهداف و خواسته‌هایش برسد و اگر هم نرسد، حداقل تلاش خود را کرده است و بعدها خودش را سرزنش نمی‌کند.
- ۱۳ دو: مفعول - پیوندها و آورده‌ها: نهاد - سرچشمه: متمم
- ۱۴ گردد (بگردد)
- ۱۵ گزینه ۴. در این گزینه، «زیباتر» و «خوش‌تر» صفت هستند ولی در سایر گزینه‌ها، به ترتیب صفت‌های تفضیلی «عزیزتر، دورتر، رنجورتر و خوش‌تر» مسند هستند و با فعل اسنادی همراه شده‌اند.
- ۱۶ الف) تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع)
ب) تضاد: آرامش و آشوب - آرمیده‌اند و بی‌قراری کرده‌اند.
- ۱۷ مشابه: خاموشی - مشابه‌به: زندان
- ۱۸ گزینه ۳
- ۱۹ گزینه ۲
- ۲۰ بیان احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر
- ۲۱ مجمع‌التوادر
- ۲۲ محمد غزالی - از کتاب دیگر خود به نام «احیاءالعلوم»
- ۱ گزینه ۱. شکل مرتب‌شده جمله: ای پیکران آب و گل گرد من حلقه زنید
- ۲ گزینه ۲.
- ۳ الف) بی‌شمار است (غیرقابل شمارش است)
ب) او برای همه مفید و سودمند است.
پ) آرزوهای خود را رها کرد / از آرزوهایش دست کشید (آماده شهادت شد).
ت) و این اضطراب و نگرانی‌ها تمام می‌شود؛ پس نگران نباش. (این افکار پریشان سر و سامان خواهد گرفت؛ غمگین نباش)
- ۴ به سه دلیل - برای تو (به خاطر تو)
- ۵ عبارت «الف»؛ واژه «چون» در عبارت داده‌شده و عبارت اول، هر دو به معنای «چگونه و ضمیر پرسشی» است اما در عبارت دوم، «حرف اضافه و به معنای مثل و مانند» است.
- ۶ گزینه ۴
- بررسی سایر گزینه‌ها
- گزینه ۱ شکوه و شوکت
- گزینه ۲ کهنسالی و فرتوتی
- گزینه ۳ فراست و زیرکی
- ۷ پست، حقیر
- ۸ آئینه: وجود، دل
زنگار: آلودگی و گناه، ناپاکی
- ۹ خودشناسی
- ۱۰ سخن پیامبر محدود به سرزمین و دوره زمانی خاصی نیست و همیشه و همه‌جا معتبر است.
- ۱۱ هم‌نشینی نقش مهمی در سعادت یا شقاوت انسان دارد. دوست خوب انسان را رشد می‌دهد، و دوست بد می‌تواند حتی فرزند پیامبر را هم گمراه کند. پس باید در انتخاب هم‌نشین بسیار دقت کرد. / اهمیت هم‌نشین و تأثیر آن بر زندگی